

فاجعه جهل مقدس



احمد زکمانی

آموزش علوم اجتماعی،
دانشگاه فرهنگیان همدان



حسین(ع) را نه مسیحیان و بیگانگان کشتند و نه کافران عربی و «السَّابُّونَ لِلنَّبِيِّ»؛ قاتلان دشت نینوا همگی از «امت رسول الله، محمد مصطفی (روحنا فداه)» بودند و دین‌دارانی که بر مسلمانی خویش می‌بالیدند و خود را مصداق «والسابقون السابقون، اولئک المقربون» می‌دانستند. اما چگونه شد که همین افراد، نه تنها به قتل حسین(ع)، بلکه بر هزاران ستمی که بر اهل‌بیت حسین(ع) روا داشته شد، رضایت دادند و از آنچه در کربلا گذشت خشنود بودند و آن را «قربةً إلى الله» می‌دانستند؟ حکایت غریبی است و تاکنون پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش داده شده است که تمامی آن‌ها می‌تواند بررسی و نقد شود؛ اما پاسخی که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته، نکته‌ای است که آیت‌الله دکتر مصطفی محقق داماد در کتاب «**فاجعه جهل مقدس**» بدان اشاره کرده‌اند: مطالعه در تاریخ ادیان، این امر را ثابت می‌کند که تعلیمات دینی، چه

آن که وصولش مستقیم باشد (مانند آنان که در زمان‌های اولیه پیشوایان دینی زیسته‌اند و رهنمودهای آنان را درک کرده‌اند) و چه غیرمستقیم باشد (مثل مردمی که در زمان ما زندگی دینی دارند و معارف دینی را از مکتوبات و منقولات دریافت کرده و خود با عمل تجربه می‌کنند، نه بر اساس برخورد چهره‌به‌چهره با

پیشوایان دینی)، همه ثابت‌کننده این امر است که اگر با خوی خشونت‌طلبی، حسد، هواپرستی، تفوق‌طلبی و امثال این‌گونه خصائل، انسان‌ها قدم در وادی دین نهاده‌اند، نتیجه دین‌داری آنان چیزی جز ازدیاد و فزونی همین خصائل نبوده است. به‌دیگر سخن، این‌گونه افراد پس از ورود به جامعه مؤمنین، ناخودآگاه از دین به نفع همان خصائل

خویش استفاده ابزاری نموده‌اند؛ در حالی که فکر می‌کنند برای دین قدم برمی‌دارند و وظیفه دینی خود را انجام می‌دهند. (ص ۱۵۶) این نکته دقیق و ظریف، نه تنها پاسخی برای جنایات رخ‌داده در کربلاست، بلکه تبیین‌کننده همه ستم‌هایی است که در طول تاریخ (و شاید بیش از پیش در روزگار ما) به‌نام دین انجام می‌پذیرد. کم نیستند کسانی که پیش از آنکه مسلمان باشند، «انسان» نشده‌اند و برای اخلاق و حقوق انسانی هیچ ارزشی قائل نیستند؛ می‌تازند، می‌زنند، تهدید می‌کنند و به‌نام دین جان می‌گیرند. عبارت «**كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا**» را این‌گونه نیز می‌توان تفسیر کرد: همیشه و در هر جایی ممکن است به‌نام دین جنایت رخ دهد؛ به‌ویژه زمانی که افراد تهی از فضایل انسانی، به‌نام دین قدرت را به‌دست می‌گیرند و حکم می‌رانند. «**وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ**» (و آنان که ستم کردند، به‌زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه بازخواهند گشت)